مدیریت شهری
شماره ۵۵ تابستان ۹۸
No.55 Summer 2019
۲۲۷-۲۳۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۲۸ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۲۳

تحلیل سیاست های متاخر مواجهه با سایت های تاریخی –فرهنگی با رویکرد هرمنوتیک انتقادی

سمیرا محمدی–دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
دکترمجتبی انصاری*–دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
دکتر محمدجواد مهدوی نژاد–دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی- فرهنگی ضمن تحولات خود در دوره های مختلف با مسائل گوناگون مواجه بوده اند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، »بازآفرینی شهری» و « معاصر سازی» به عنوان یکی از کامل ترین رویکردها، در برگیرنده برنامه های ارتقای کیفی، بافت های شهری - با اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی -» مطرح شد. با این حال، «باز آفرینی شهری» به دلیل دو مشکل «نهادگرایی» و «عدم ارتباط موثر با افراد ذی نفع و ذی نفوذ» با تاخیر در اجرا مواجه شده ، غیر اقتصادی بوده و نهایتا شکست خورده به حساب می آید. لذا شناخت ماهیت این مسئله و تبیین راهکار های مواجهه با این مشکلات، به روش تحلیل انتقادی، موضوع اصلی این مقاله است. سؤال: ماهیت سایت های تاریخی- فرهنگی چیست و راهکارهای مداخلاتی آن، چه ویژگی هایی باید داشته باشند؟ هدف: شناسایی ماهیت ارزشمندی سایت های تاریخی- فرهنگی و ارائه راهکار مداخله ای متناسب با آن. روش تحقیق: این پژوهش از منظر روش شناسی، نوعی پژوهش کیفی- نظری و مبتنی بر رویکرد هرمنوتیک - انتقادی است که با کمک گرفتن از تئوری های مرتبط با مبحث سامانه ها مثل آنتروپی و میل پارانویی در سه بستر تحلیلی، به واکاوی سیاست های رسمی مداخله در بافت های تاریخی- فرهنگی می پردازد. نتیجه‌گیری: بافت های تاریخی- فرهنگی از منظر ارزشمندی، دارای دو بعد کالبدی- محتوایی می باشند که با معیارهای زمینه ای و در بستر مدیریت شفاف، قابلیت شناسایی، محافظت و ارتقاء کیفیت را دارا می باشند.

کلمات کلیدی: آنتروپی، معاصرسازی، بازآفرینی، میل پارانویی، گفتمان انتقادی، سامانه

Analyzing Recent policies towards heritage sites using acritical Hermeneutics Approach

Abstract

While experiencing evolution over different periods of time, Policies for dealing with historical-cultural sites have faced various issues. “Urban regeneration” and “Contemporization” which were introduced in the late 1970s and early 1980s were regarded as one of the most comprehensive approaches, including urban development programs considering urban contexts with integrated economic, social and cultural goals. However, caused by the two problems of “ bureaucracy “ and “lack of effective communication with the influential and beneficiaries”, delays in the implementation of these programs have rendered them economically unsustainable, and thus they ultimately failed. Therefore, understanding the nature of this problem and identifying solutions to these problems through critical analysis is the main topic of this research. Question: What is the essence of historical-cultural sites and what are their intervention strategies? Objective: To identify the valuable properties of heritage sites and to provide appropriate intervention strategies. Methodology: From a methodological point of view, this research is a kind of qualitative-theoretical research based on a hermeneutical-critical approach, which analyzes formal policies for intervention in historical-cultural contexts, by applying theories related to systems topics such as entropy and paranoia.

Conclusion: Historical-cultural sites have two dimensions in terms of value, which are physical dimension and context. These are capable of identifying, protecting and enhancing quality by providing a transparent management framework.

Keywords: Entropy, Contemporization, Recreation, Paranoid Desire, Critical Discourse, System

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۰۱۷۴۶۵ ، رایانامه: ansari_m@modares.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی- فرهنگی در طول زمان دریافته است که دیدگاه تک بعدی به مسایل شهری صحیح نبوده و مواجهه با سایت های تاریخی نیازمند نگاهی همه جانبه است. (بحرینی، سیدحسین, ایزدی،سعید و مفیدی،مهرانوش ۱۳۹۲) به طوری که طبق یکی از متاخرترین تعریف ها، بازآفرینی شهری عبارت است از مجموعه ای از اقدامات، با دید جامع و یکپارچه در حل مسائل شهری و بهبود دائمی شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی، که دستخوش تغییر شده است. Roberts) ۲۰۰۰, ۱۹)

در واکاوی سیاست بازآفرینی، به عنوان یکی از متاخرترین سیاست ها، دو فرآیند ضروری " حفاظت" و " توسعه" قابل شناسایی است، که همانند هر دو جریان مکمل یکدیگر، در کنار راهکار های همه جانبه نگر کنونی در بازآفرینی شهری تمام تلاش خود را معطوف به کلیه ارزش های مستتر در بافت، اعم از اقتصادی، اجتماعی، تاریخی _فرهنگی و سیاسی می نمایند. (حناچی،پیروز و فدایی نژاد ۱۳۹۰) لازمه دستیابی به این اهداف، برنامه ریزی های بلند مدت و در مقیاس های کلان شهری است که می بایست در آن منافع گروه های مختلف ذی نفع در پروژه لحاظ گشته و مجموعه ای یکپارچه از نیازهای پروژه های شهری در آن دیده شود. متعاقب بزرگ شدن اهداف بازآفرینی و چند بعدی گشتن آن، طولانی شدن تحقق طرح های باز آفرینی اتفاق می افتد، نظیر بازآفرینی میدان کهنه اصفهان (میدان عتیق) که " پروژه حفاظت و توسعه آن با رویکرد بازآفرینی، طولانی مدت و هزینه بر شده و اجرای فاز نهایی با توجه به سرعت تغییرات قبل از تحقق، غیر اصولی گشته است." (نوریان،فرشاد، آریانا ۱۳۹۱) طولانی شدن زمان تحقق پروژه ها، که در حقیقت به معنای عدم تحقق آنها می باشد، از آنجایی ناشی می شود که بازآفرینی در جهت نیل به هدف توسعه یکپارچه، با نهادگرایی (دیوانسالاری) و واگرایی ارزش های افراد ذی نفع و ذی نفوذ درگیر می شود.

این تحقیق به روش تحلیل هرمنوتیک انتقادی به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه می توان منازعات گروه های مختلف درگیر در سایت های تاریخی – فرهنگی را ضمن صیانت از اصول حفاظت و توسعه موجود در سیاست های مداخله‌ای به نوعی حل نمود که در آن تاخیر و یا شکست برنامه ها تا حد ممکن تعدیل گردد.

روش تحقیق

این پژوهش از منظر روش شناسی، نوعی پژوهش کیفی- نظری مبتنی بر رویکرد هرمنوتیک انتقادی است و هدف آن دستیابی به فهمی درونی در یک بستر متنوع (از قبیل زبانی زمانی تجربی و ...) است. هرمنوتیک انتقادی، به مثابه چتری برای پروژه های نظری، روش شناختی مشترکی است که به وسیله اندیشمندان گوناگون فلسفی و اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ تاکنون انجام شده است. اسمیت معتقد است "این روش، هرمنوتیکی خوانده می شود چون هسته اصلی جهت گیری آن شامل بازسازی و ایجاد زمینه‌های اصلی برای فهم و تفسیر عبارات و اصطلاحات نمادینی، همچون متون، کنش‌ها ،مظاهر و فعالیت ها است. همچنین انتقادی محسوب می گردد به این دلیل که زمینه‌ی تفسیر را متصل به قدرت و سلطه اجتماعی می‌داند. از این رو، تمرکز بر قدرت به آن بعد انتقادی می‌دهد و انگیزه آن دگرگونی تغییرات اجتماعی به سوی آزادی بیشتر، افزایش رضایتمندی فردی و برابری است" (اسمیت ۱۳۸۷, ۲۴۷) .

در این تحقیق، در بستر اولیه تفسیر، سیر تاریخی سیاست های حفاظتی از سایت های تاریخی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار گرفته است. در بستر دوم، تحلیل ساختار نظری سیاست ها مورد بررسی قرار گرفته و مبانی فکری هردوره تشخیص داده شده است. و نهایتا در بستر سوم تحلیل به روش

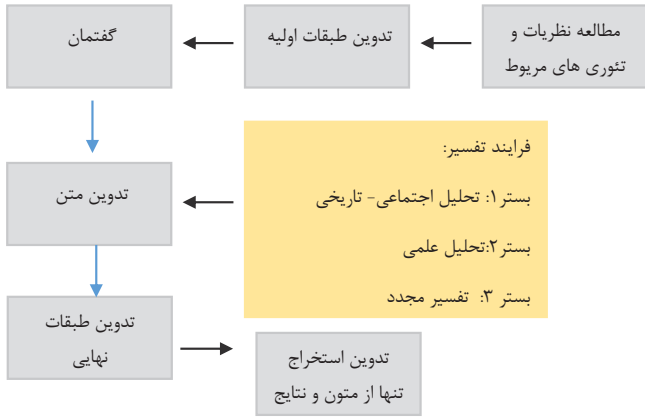

شکل ۱. تحلیل نظریه های مداخله در بافت های فرهنگی- تاریخی به روش هرمنوتیک انتقادی ترسیم نگارندگان با اقتباس از دانایی فر، حسن، ۱۳۹۵

جدول ۱- مهمترین بیانیه های بین المللی در سندیت بخشیدن به حفاظت از محوطه های تاریخی گردآوری: نگارندگان

نام سند	تاریخ تصویب	سیاست کلی	ویژگی شاخص سند در حوزه حفاظت از محوطه های تاریخی
معاهده پاریس	۱۹۷۲	حفاظت از فرهنگ و منظر طبیعی	توجه به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی
قطعنامه کنگره آمستردام	۱۹۷۵	آشتی دادن تکنولوژی با ارزش ای تاریخی،طبیعی و فرهنگی	تلاش برای آشتی‌دادن فضاهای کالبدی قدیمی با زندگی مدرن
بیانیه لوزان	۱۹۹۰	توسعه با محور بهسازی	توجه به حفاظت، بهسازی و باززنده سازی سکونت گاههای کوچک با **"مشارکت مردم"**
معاهده ماستریخت	۱۹۹۲	مباحث کلی توسعه پایدار	تحقق توسعه پایدار با تکیه بر میراث شهری و مشارکت های مردمی
منشور ایکوموس نیوزیلند	۱۹۹۳	توجه به مباحث مدیریت	ارائه چارچوبی برای مدیران محلی بر مبنای معنای فرهنگی مکان
سند نارا	۱۹۹۴	توسعه زمینه گرا	اهمیت تنوع فرهنگی و فرهنگ بومی جوامع
بیانیه سان آنتونیو	۱۹۹۶	توجه به اصالت	اهمیت اصالت در حفاظت و مدیریت مکان های تاریخی (ویژه کشورهای آمریکایی)
منشور نهایی بورا	۱۹۹۹	تغییر معنای مدیریت	توجه به مفهوم مدیریت تغییر در کنار مدیریت حفاظت بر مبنای اهمیت معنای فرهنگی مکان
بیانیه مکزیکوسیتی	۲۰۰۰	توجه به خرده فرهنگ	تأکید بر میراث بومی
یادنامه وین	۲۰۰۵	تلفیق مدیریت فرهنگ با مدیریت بناهای تاریخی	مدیریت منظر تاریخی – فرهنگی شهرها
منشور شیان	۲۰۰۵	گسترش معنای میراث به محیط طبیعی	تاکید بر حفاظت از محوطه های دارای میراث ملی با توجه به ویژگی های طبیعی و فرهنگی و ...
منشور ایکوموس	۲۰۰۸	گسترش معنای میراث به عناصر غیر کالبدی	تأکید بر ارزش های ملموس و ناملموس میراث، تأکید بر روح مکان و گسترش حوزه میراث به مسیرهای فرهنگی
منشور ایکوموس دهلی	۲۰۱۷	گسترش مفاهیم حفاظت تا سیستم های مدیریتی و اجرایی	تاکید بر ارزش های مناظر شهری میراث، ارایه راهکار در جزییات اجرایی در مناظر شهری، توجه به نقش ذی نفعان و ذی نفوذان در برنامه ریزی های معاصر سازی

پساساختارگرایانه تحولات سیاست های مداخله ای مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و در فرآیند تفسیر بر اساس نظریه سامانه ها و نیروهای پارانویی مداخله گر و آنتروپی موضوع ذی نفعان و ذی نفوذان مطرح و تصمیم گیری در سایت های تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. فرآیند تفسیر به شرح زیر است.(شکل ۱)

فرایند تفسیر:

بستر۱: تحلیل تاریخی (تحولات ظاهری)

بستر۲: تحلیل علمی (تحلیل ساختاری)

بستر ۳: تفسیر هرمنوتیک (تحلیل انتقادی و پساساختارگرایانه)

تحلیل تاریخی سیاست های مداخله در سایت های تاریخی – فرهنگی

منشورها و کنوانسیون های بین المللی دربردارنده سیاست های رسمی مداخله در سایت های تاریخی و فرهنگی می باشند که از سال ۱۹۷۰ تا دوران معاصر تحولات مختلفی را از سر گذرانده است. همانطور که در جدول ۱ آورده شده است، مطابق کنوانسیون ها و منشورها در سال های متوالی، حفاظت از آثار تاریخی به توسعه ی اقتصاد محور و سپس توسعه چند بعدی و پایدار با زمینه گرا تغییر برنامه داده است و بالاخره پس از طی کش و قوس های گوناگون، زاویه دید معاهده ها و منشورها از بعد نظری صرف به بررسی مسائل اجرایی تغییر نموده و به دغدغه های مدیریتی پرداخته است.

تحلیل ساختاری معاصرسازی به عنوان متاخرترین رویکرد

"معاصر سازی" از سال ۲۰۰۰ بر اساس نظرات فرامپتون مطرح شد. "معاصر سازی بیانگر دوره ای است که در آن شهر در کالبد و محتوای خود از نو زاده می شود و مفهوم آن با ماهیت نوگرایی عجین شده و در عین حال، نوعی شروع دوباره و بازگشت به اصل، با تغییر و تبدیل در ساختار اجتماعی و کالبدی شهری و با توجه به ابعاد هنری و فرهنگی و اصالت بخشی به محلات شهری از طریق آن، را نشان می دهد." (Frampton ۱۹۹۹, ۱۵) به عبارتی میتوان معاصرسازی را در سیر تکامل بازآفرینی به عنوان روشی برای جبران کمبود بازآفرینی تعریف کرد که مورد اقبال عموم واقع شده است تا مسائل بسیار بزرگ شده ی طرح بازآفرینی را قابل حل نماید. (نیل، ۲۰۰۳، ص۴۷) معاصرسازی می کوشد که سیاست نگاه در حوزه خردتر (در سطح محله ها و بافت ها- جهت بهبود شرایط آن ها، بسته به عملکرد شان و به صورت پله به پله و در بازه های زمانی کوتاه تر) را سرلوحه برنامه های خود قرار دهد. به طوری که ارتقاء کیفیت پروژه ها با مداخلات مداوم و پیوسته به عنوان اصول آن میتواند مطرح شود. طراحی در این رویکرد، با زبان معاصر است و اشاراتی را از زمان حال دریافت می کند؛ همچنین الهام هایی از گذشته می گیرد و با احترام با زمینهٔ تاریخی گفتگو می کند. (نقوی و مظاهریان ۱۳۹۸, ۷۱)

سابقه تفکر معاصر سازی را حداقل می توان به سی سال قبل تر از سال ۲۰۰۰ارجاع داد. زمانی که تلاش برای آشتی‌دادن فضاهای کالبدی قدیمی با زندگی مدرن در بیانیه بوداپست ۱۹۷۲ م، قطعنامه کنگره آمستردام ۱۹۷۵ م، و توصیه نامه نایروبی ۱۹۷۶ مورد توجه قرار گرفته بود. فعالیت سازمان های مختلفی همچون English Heritage ICOMOS , ICCROM, UNESCO, ، برگزاری کنفرانس های ملی و بین المللی و صدور قطعنامه ها، توصیه نامه ها و دستورالعمل ها، فضای جدیدی را برای هدایت این نهضت فراهم نمود.(جدول . ۱)

از موارد زیر به عنوان مقدمات نهضت معاصر سازی می توان نام برد:

۱. توسعه قلمروی فعالیت و حفاظت، از بناهای منفرد به تمامیت بافت؛

۲. توجه توأمان به میراث فرهنگی و طبیعی؛

۳. تحول رویکردی در استفاده مجدد از ابنیه و آثار تاریخی و گرایش به تجدید حیات کارکردی؛

۴. استفاده های اقتصادی مؤثرتر از بناهای تاریخی؛

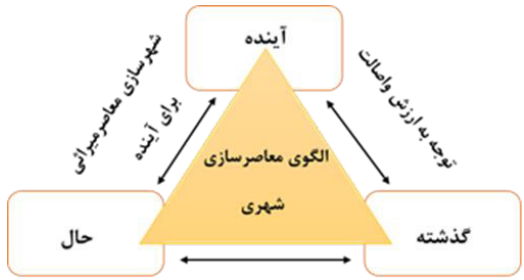

شکل ۲. الگوی معاصر سازی شهری ماخذ: ایراتیشاد،۱۳۹۷

۵. توجه به صنعت توریسم به عنوان فرصتی برای توسعه و رشد اقتصادی ساکنین و یا مجاورین مناطق تاریخی؛

۶. تأکید بر محیط انسانی هم ارزش با بناهای دارای ارزش تاریخی؛

۷. تداوم مداخلات به معنای اینکه مجموع اقدامات دفعی و ضربتی نمی تواند مورد قبول واقع شده و یکباره به تجدید حیات و روان بخشی مراکز شهری بیانجامد

۸. تأکید بر استفاده از معماری معاصر در مجموعه های ساختمانی و باززنده سازی ابنیه ی بافت با عملکرد مناسب

در این بیانیه، " گذشته"، " حال" و " آینده" به صورت کلی نگریسته شده و هماهنگی میان هر سه زمان به عنوان هدف اصلی مطرح است. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۱, ۱۴۰)(شکل۲) در سال ۱۹۸۲م، بیانیه «تریندا » مشارکت مردم را به عنوان وظیفه اخلاقی دولتمردان و مردم تلقی می کند. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۱) حفظ روح مکان بدون توجه به مشارکت و ترغیب جدی مردم محقق شدنی نیست. از سویی دیگر مشارکت دادن مردم و انجام پروژه ها در مقیاس خرد در سطح محله ها خود می تواند به عنوان روش مناسبی در فائق آمدن بر مشکلات نهادگرایی (دیوانسالاری) مطرح شود.

با این وجود، مطابق اهداف معاصرسازی، حفاظت از آینده همتراز با حفاظت گذشته درک موضوع را پیچیده کرده و با در نظر گرفتن هدف مشارکت دادن تمام افراد ذینفع و ذی نفوذ به ناچار با واگرایی گفتمان، مواجه می گردد.

ذینفعان پروژه افراد وگروه ها یا سازمان هایی هستند که ممکن است بر پروژه تأثیر بگذارند، از آن تأثیر بپذیرند، یا ادراکشان از یک تصمیم، فعالیت یا خروجی پروژه تأثیر بپذیرد. از ذینفعان شهری می توان به مردم، دولت، سازمان های عمومی، سازمان های خصوصی، سازمان های مردم نهاد و یا شورای شهر اشاره کرد. (پرچمی،مجید, زبردست،اسفندیار و فصیحی ۱۳۹۷)

در علوم اجتماعی، تفاوت در مفاهیم، اهداف و ارزش ها را به صورت گفتمان های انتقادی تعریف می کنند. مدیریت میراث فرهنگی با گروه های مختلفی در برنامه ریزی و تصمیم گیری در سایت های تاریخی مواجه است، و این درگیری و تضاد را می توان با کمک تجزیه و تحلیل گفتمان همزمان درک کرد. (Oevermann and Mieg, ۲۰۱۵).

در روش تحلیل گفتمان، فرض بر این است که هر کدام از گفتمان ها به سیستم های معرفت شناختی خاصی گره خورده اند. سیستم های معرفت شناختی به وسیله مفاهیم، اهداف و همچنین مفروضات و ارزش های اساسی خود تعریف می شوند.

مفاهیم؛ زیرساخت مفهومی در درون هر گفتمان است .

اهداف؛ برای بیان اهداف آینده به کار می رود.

مفروضات اساسی؛ خطوط مشترکی هستند که مفاهیم، اهداف و ارزش ها را به هم متصل می کنند و آن ها عبارت های کلیدی هر گفتمان هستند. به عنوان مثال: ساختمان ها ارزش حفظ شدن را دارند زیرا گواهی از گذشته هستند.

ارزش ها؛ توجیه نهایی مفروضات اساسی و انتخاب مفاهیم هستند. به عنوان مثال اصالت. به عبارت دیگر، آن ها به بافت های موجود ارزش ویژه ای می دهند. مفروضات اساسی، مفاهیم و اهداف به طور ضمنی و یا صریح توسط ارزش ها سنجیده

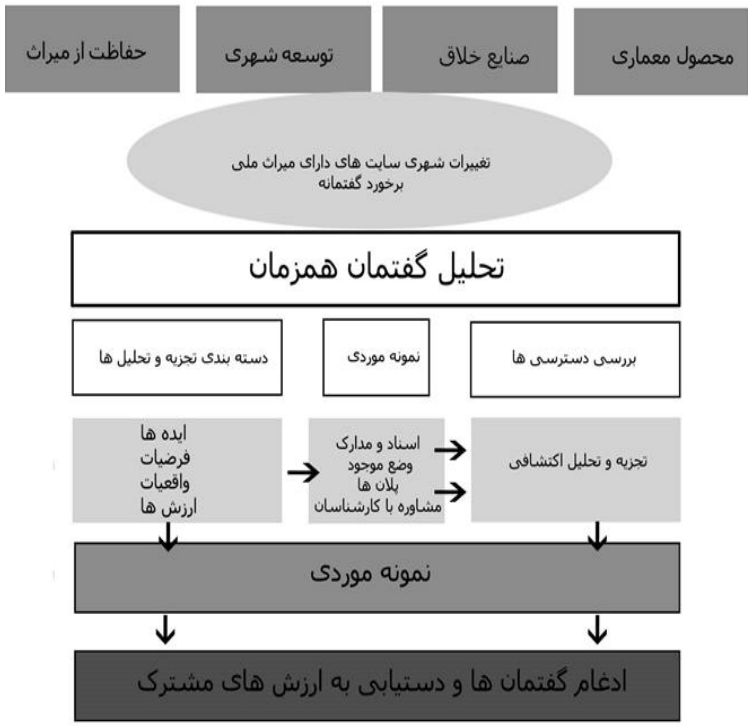

شکل۳. نمای شماتیک تحلیل گفتمان همزمان؛ منبع : نگارندگان با اقتباس از oevermann**,۲۰۱۵**

می شـوند.

بـه طـور خلاصـه گفتمـان هـای اصلـی و شـاخص در مقولـه سـایت هـای تاریخـی – فرهنگـی را مـی تـوان در چنـد گـروه زیـر معرفـی کـرد: Kercher and Schneider, ۲۰۰۶; Keller,۲۰۰۷))

گفتمان اول، گفتمان حفاظت از میراث

میـراث فرهنگـی و مسـایل مربـوط بـه آن دارای نفوذ زیـادی در تصمیـم گیـری های اساسـی فراینـد تحول اسـت. ایـن گفتمـان بـا تخریـب مقابلـه می کنـد و به دنبـال حفاظـت از میراث اسـت.

گفتمان دوم؛ با عنوان توسعه شهری

بـه دنبـال توسـعه مناطـق بـا روشـی اسـت کـه بـرای سـاکنان در مقیـاس محلی و شـهری مزایـای اقتصادی و رفاهـی فراهـم آورد.

گفتمان سوم صنایع نوآورانه

بیشـتر تمرکـز ایـن گفتمـان بـر صنایـع نوآورانـه بـه عنـوان محصـول معمـاری اسـت.

گفتمان چهارم محصول معماری

آخریـن گفتمـان مربوط بـه محصولات معماریسـت که طراحـان بواسـطه آن موقعیـت و کاربری سـاختمان ها را تعریـف کـرده و فضـای موجـود را بـه فـرم جدیدی شـکل مـی دهنـد.(Kercher and Schneider, ۲۰۰۶; Keller,۲۰۰۷)

از ایـن دسـته بنـدی هـا بـرای توصیـف گفتمـان و زیرگفتمـان اسـتفاده میشـود. حـل تناقضـات در گفتمـان، بـا اسـتفاده از ادغـام گفتمـان ها و سـنجش و ارزش گـذاری آن هـا، اطلاعـات اسـتدلالی را فراهـم مـی آورد کـه می توانـد در برنامه ریزی منسـجم مورد اسـتفاده قـرار گیـرد. (Oevermann and Mieg ۲۰۱۵) (شـکل۳)

تحلیـل گفتمـان همزمـان در جاهایـی کـه واگرایی در ارزش هـا و برنامـه هـا وجـود دارد از منظـر تئـوری اسـتدلالی بـه عنوان یک ابزار کارآمد مـی تواند در نظر گرفتـه شـود، ولـی برای تحقـق پذیری آن در سیسـتم هـای انسـانی کـه ماهیـت پیچیده و فـرا منطقـی دارد بایـد بـه تحلیل اشـکال مختلـف مشـارکت در تصمیم

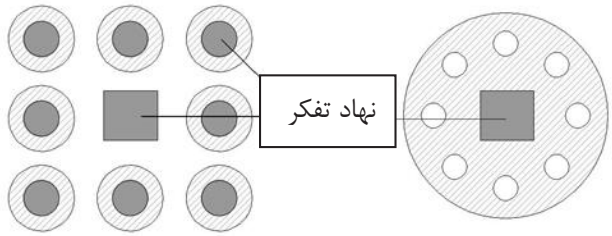

شکل ۴- نهاد تفکر در سامانه طبیعی و انسانی منبع: اسلامی،۱۳۹۲

گیری و برنامه ریزی فرآیندها نیز پرداخته شود .

تحلیل هرمنوتیک انتقادی موضوع

امروزه، جوامع به لحاظ ساختاری متفاوت هستند. در جامعه های متشکل از زیرگروه های مختلف که با یکدیگر روابط پویایی دارند، هر کدام از این زیرگروه ها تا حد زیادی با استفاده از ارتباطات، شیوه ها و تجلیات خود شکل گرفته اند و به وسیله زمینه ارزشی ویژه ای با هم در ارتباط هستند. بررسی اشکال مختلف حاکمیت شهری، اشکال مختلف مشارکت در تصمیم گیری، و برنامه ریزی فرآیندها و همچنین بررسی تعارضات همراه با آن ها، خطرات مناقشه گفتمانی در جامعه معاصر را آشکار می سازد. (Oevermann and Mieg ۲۰۱۵) نمایندگان حفاظت از میراث و توسعه شهری از مفاهیم و ابزارهای مختلف استفاده میکنند و اهداف متنوعی را دنبال می کنند و شیوه های اجرایی آن ها با ارزش های مختلفی هدایت می شود.

تحلیل پیچیدگی مسائل ساختاری گروه های انسانی به طور عام و گروه های ذی نفع و ذی نفوذ در سایت های تاریخی - فرهنگی به طور خاص نیازمند واکاوی مسائل مرتبط با سیستم ها و سامانه های انسانی می باشد، که برای نیل به این مقصود در ادامه به ارائه توضیحاتی مختصر در خصوص سامانه و نهاد فکری موجود در آن، میل پارانویی و تئوری آنتروپی پرداخته می شود تا بتوان موضوع را در سومین بستر تحلیل هرمنوتیک انتقادی، تحلیل و جمع بندی نمود.

سامانه: " اصطلاح سیستم یا سامانه به مجموعه ای از اجزاء وابسته اطلاق می شود که کل معناداری را می سازند. به عبارت دیگر سامانه به معنای یک کل به کار می رود که از ترکیب اجزاء متعددی تشکیل شده است. به این ترتیب سامانه مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که شامل مصادیق مختلفی در حوزه های زیست شناسی، جامعه شناسی،بیولوژی، فرهنگ و هنر می شود. آکوف معتقد است در یک سامانه طبیعی یک نهاد تفکر وجود دارد و دیگر اجزاء سرویس دهنده آن هستند (شکل۴). لیکن در سامانه تشکیلات انسانی یک نهاد تفکر وجود دارد و باقی اجزاء نیز خود دارای نهاد تفکر می باشند. همچنین آکوف معتقد است مشکلات نیز همانند راه حل هایشان سامانه ای را به وجود می آورند که برای یافتن راه حل آنها باید از روش همگرایی تخصص ها بهره گرفت" (اسلامی ۱۳۹۲, ۲۰) .

میل پارانویی: " میل پارانویی خاستگاه اجتماعی و تاریخی دارد این میل با ترس برانگیخته می شود، ترس از متفاوت بودن و مورد قضاوت نادرست دیگران قرار گرفتن. دلوز به امپریالیزم لعنت می فرستد که تمایلات ما را به خود جلب و ما را مصرف زده کرده است. در اینجا منظور از مصرف محصولات صرفا به کالا اشاره ندارد بلکه حتی دامنه تعبیر از آن تا محدوده ی مصرف افکار و الگوهای رفتارهای غالب، گسترش می یابد. در حقیقت با اینگونه تحریکات تمایلات مردم در جهت منافع گروهی خاص شکل می گیرد" (اسلامی ۱۳۹۲, ۲۲).

مفهوم آنتروپی: یکی از قوانین جهان شمول از دیدگاه سیستمی، قانون دوم ترمودینامیک است

و آنتروپـی از مهـم تریـن خاصیتهـای سیسـتم هـای فیزیکـی و مفهومی برآمده از قانـون دوم ترمودینامیک اسـت،که نـه تنهـا در سیسـتم هـای فیزیکـی، بلکـه درسیسـتم های زنـده، اجتماعی، و حتـی اقتصادی نیز وجـود دارد. آنتروپـی در لغـت بـه مفهـوم هـرج ومرج و بـی نظمـی اسـت .در هـر سیسـتم عواملـی وجـود دارنـد کـه در خـلاف جهـت سیسـتم عمل مـی کنند و مختـل کننـده انتظـام سیسـتم هسـتند کـه بـه این عوامـل آنتروپـی مـی گوینـد. (Harshey.D ۲۰۱۷) ایـن روش نگـرش بـه مفهـوم آنتروپـی همـان روشـی اسـت کـه از نظر متفکران سیسـتمی توانایـی تعمیم به حوزۀ سـایر علوم را داشـته اسـت و آنتروپـی در نگرش سیسـتمی(system view) خاصیتـی اسـت کـه در همـۀ سیسـتم ها تعریـف پذیر اسـت. (انصاری،گلشـن, عباسـی و گشـوارپور ۲۰۱۵)

آنتروپـی در رابطـه بـا سیسـتم هـای باز وحتی بسـته، بسـیار مهـم اسـت و می توانـد مثبت و یا منفی باشـد. آنتروپـی مثبـت بیانگـر آن دسـته از عواملـی اسـت که سیسـتم را از حالـت تعـادل خـارج می کنـد و آنتروپی منفـی بـه آن دسـته از عواملـی گفتـه می شـود که در جهـت بقـا و حفظ سیسـتم بـا عوامل بی ثبـات کننده مبـارزه مـی کنـد. در سیسـتم هـای بسـته کـه در آن هـا تبادلـی بـا محیـط صـورت نمـی گیـرد، آنتروپـی مثبـت گرایـش بـه افزایـش دارد و بر میـزان بی نظمی داخـل سیسـتم مـی افزاید. تغییـر آنتروپی درسیسـتم هـای بسـته همیشـه مثبت اسـت و نظـم دائمـاً از بین مـی رود. اگـر یـک سیسـتم بسـته بـه حـال خـود رها شـود، سـرانجام بـه سـوی بـی نظمـی و اغتشـاش و تعـادل ایسـتا خواهـد رفت و ایـن عاقبتی اسـت که هر سیسـتم بسـته بـه آن دچـار خواهد شـد.

از سـوی دیگر در سیسـتم بـاز، به علت ارتباط داشـتن بـا محیـط، آنتروپـی مثبـت گرایش بـه کاهـش دارد و سیسـتم بـاز در قبال محیـط خود واکنش هایی نشـان مـی دهـد کـه منجـر بـه کامـل ترشـدن و پیچیـده ترشـدن سیسـتم مـی شـود. سیسـتم بـاز ،برخـلاف سیسـتم هـای بسـته، گرایـش بـه تعادلـی پویـا و نیاز بـه تبـادل مـاده و انـرژی بـا محیـط دارد. از طریـق ایـن تبـادل با محیط اسـت که میـزان آنتروپـی مثبت کاهـش مـی یابـد و بر نظم سیسـتم افزوده می شـود. سیسـتم بـرای بقـا و ایجـاد نظـم درعملکرد خـود باید بـا ایـن قانون طبیعـی یعنـی "آنتروپی مثبـت" مبارزه کـرده و آنتروپـی منفی ایجاد نمایـد و در واقع فعالیت هـای آنتروپیـک را متوقف سـازد. (امیری،زینب, و غیره ۱۳۹۷)

جمـع بنـدی تحلیـل سیاسـت هـای مواجهه با سـایت هـای تاریخـی- فرهنگی

بسـتر اولیـه تحلیـل: در ایـن مرحلـه از تحلیـل صرفـا بـه مطالعـه تاریخـی رویکردهـای مداخلـه ای در نظریه هـای مداخلـه در بافـت هـای تاریخـی فرهنگی کـه با این مطالعه مشـخص شـد پرداخته شـده اسـت. در تمامـی ایـن رویکردهـا بـه نوعی واگرایـی ارزش ای توسـعه محـور و حفاظـت محور مطرح اسـت. به طوری کـه در سـیر تحـول تاریخـی، نگـرش سیاسـت هـای مداخلـه ای از از مسـائل طراحـی و برنامـه ریـزی بـه سـمت مسـائل محیطـی و مدیریتی تغییر جهـت داده اسـت. ایـن نشـان دهنده ی اهمیـت مسـائل مرتبط با تصمیـم گیـری و اجرایی موضوع اسـت. مشـکل اصلی واگرایـی ارزش هـا در ایـن مرحلـه واگرایـی ادراکـی در فهـم ارزش هـا اسـت و راهـکار مدیریـت منازعـه، مشـارکت دادن تمامـی نهادهـا و افـراد ذی نفـع و ذی نفـوذ و اسـتفاده از روش تحلیـل گفتمـان و ارائـه ی ارزش هـای میانجـی اسـت.

بسـتر دوم تحلیـل: تحلیـل سـاختاری نظری هـای مداخلـه در بافـت هـای تاریخـی فرهنگـی

در واکاوی رویکردهـای مداخلـه منازعـات زیـر مـورد توجـه قـرار گرفته اسـت

۱. منازعـه اصالـت قـدرت (قـدرت مرکـزی یـا قدرت زمینـه ای)

۲. منازعه اصالت زمان (حال آینده و گذشته)

۳. منازعـه اصالـت معمـاری (کالبـد عملکـرد فعالیت و یـا روح مکان)

مشـکل اصـل در ایـن بخـش واگرایـی عـدم اعتمـاد

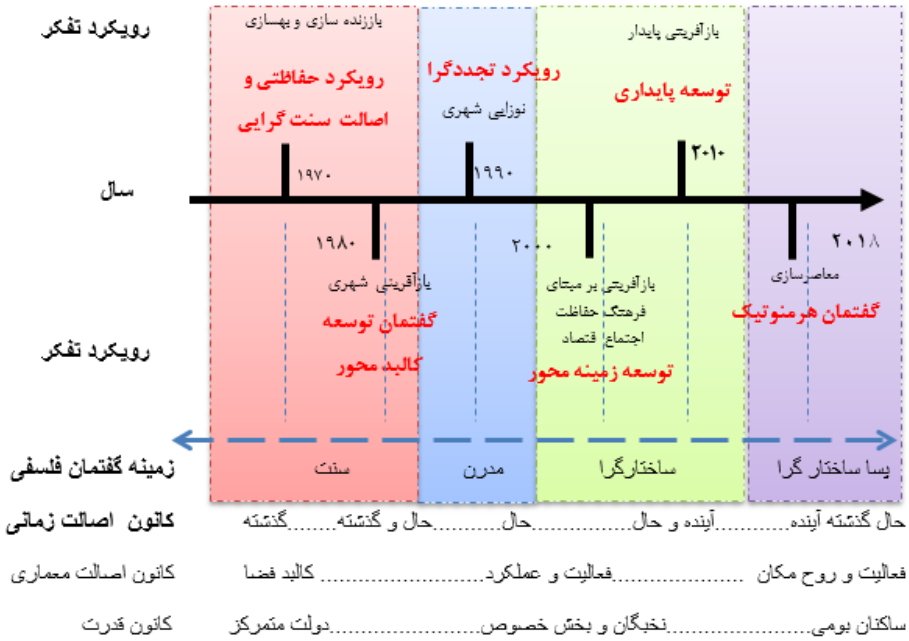

شکل ۵ . سیر تکاملی رویکرد مواجهه سایت های تاریخی- فرهنگی متناسب با تحولات فلسفی (سیر تاریخی – ساختاری) ترسیم: نگارندگان

طرفین منازعه به توانمندی و اصالت طرف مقابل است و راهکار مدیریت منازعات، به نظر، حرکت نرم و آهسته از سمت قطب غالب به سمت قطب مغلوب می باشد. (شکل۵)

بستر سوم تحلیل: واکاوی تئوری نظام قدرت با استفاده از تئوری سامانه، آنتروپی و میل پارانویی در واکاوی انتقادی سیاست های مداخله با استفاده از تئوری سامانه، آنتروپی و میل پارانویی، منازعه زیر مورد توجه قرار گرفته است.

** **منازعه:** مدیریت صریح و مدیریت ضمنی مشکل اصلی: تمایلات ناسازگار طبیعت انسان علت این منازعه وجود مافیای قدرت و ترس اکثریت از محروم شدن از حمایت های این قدرت ها و میل به منفعت طلبی و سوداگرایی در بین عموم است.

راهکار مدیریت منازعه: قانون گذاری و سیاست گذاری برای شفافیت بخشی در سیستم ها و تلفیق آن با مدیریت نظام مند و صریح در بخش های نظارتی است چرا که با افزایش میزان شفافیت و جایگزین شدن ترس از محرومیت با ترس از تعدی از عدالت اجتماعی، سامانه بیشتر در مسیر اهداف تعریف شده ی خود قرار عمل خواهد نمود. (شکل ۶)

جمع بندی یافته ها

سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی- فرهنگی، مطابق تحلیل صورت گرفته به سه سطح از مشکلات گره می خورد؛ سطح ظاهری، سطح میانی، سطح زیرین.

در سطح ظاهری، دوگانگی ارزش ها و نهاد گرایی، اهم مشکلات سیاست های اجرایی، می باشد که حاصل گرایش ارزش ها به دو قطبی گری هایی از قبیل گذشته /آینده، کالبد/ محتوا، توسعه/ حفاظت و ... می باشد. این تنازعات به زمانبر شدن پروژه ها در عصر سرعت شده است و طرح های مداخله در سایت های تاریخی و فرهنگی با چالش های جدی تاخیر مواجه می کند. معاصر سازی با گذر از دوقطبی گری روایت جدیدی از امر حفاظت ارائه می دهد و در کنار حفاظت از ارزش های گذشته حفاظت از حال و آینده را از طریق بازیابی برجستگی

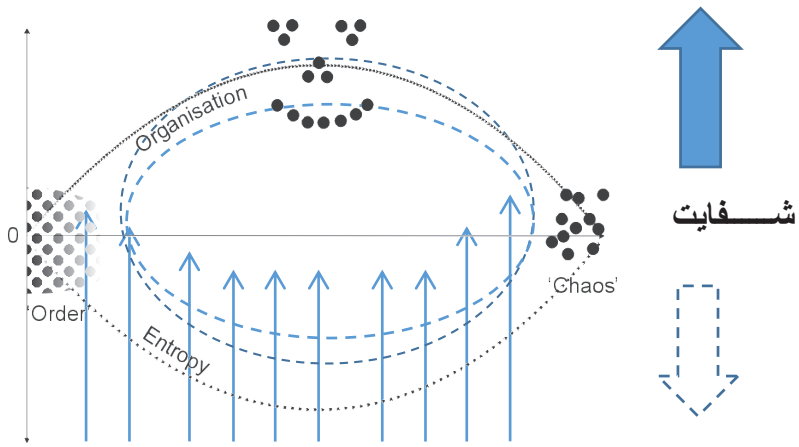

شکل ۶. شمای کلی ارتباط سامانه ترسیم : نگارندگان

هـای فرهنگـی آنهـا بـا ارزش دانسـته و مـورد تاکیـد قـرار مـی دهـد، یعنـی حفاظـت از بافـت اجتماعـی و فرهنگـی از طریـق درک ارزش های غیـر ملموس مثل حفـظ روح مـکان و زندگـی طبیعـی سـاکنان آن. در معاصر سـازی برخلاف سیاسـت های پیشـین، مشـکل دوگانگـی ارزش هـا (حفاظـت و توسـعه) نیسـت کـه چالـش برانگیز اسـت، بلکه چگونگـی درک ارزش های زنـده ی مـکان چالـش جـدی مـی باشـد کـه در لایه هـای زیریـن کالبـدی و گفتمـان هـای گوناگـون افراد ذی نفـع و ذی نفـوذ مسـتتر اسـت، و به نظر می رسـد بـه روش تحلیـل گفتمـان همزمـان، امـکان درک آن ممکن باشـد.

سـطح میانـی نیـز بـه نوعی بـا تفکـر دوقطبـی مواجه اسـت بـا این تفـاوت که در ایـن مرحلـه دوقطبی گری نـه در سـطح ارزش هـا بلکـه در سـطح سیسـتم هـای مدیریتـی اسـت. مدیریـت تغییـر/ مدیریـت حفاظت ، مداخلـه آهسـته و مسـتمر/ مداخله تهاجمـی و یکباره، مدیریـت نهـادی/ مدیریـت دولتـی که در تشـدید این دوقطبـی گـری هـا، عامل عـدم اعتماد هردوسـر قطب بـه بـه یکدیگر مانـع از تصمیـم گیری و تحقـق برنامه هـا میگـردد. برای سـامان دهی این مشـکل مـی توان از برنامـه هـای حمایتـی و مشـارکتی بیـن دو قطـب و انتقـال آرام سیاسـت هـا از قطبـی بـه قطـب دیگـر به شـرط اطمینان بخشـی بهـره برد.

سـطح زیریـن: آنتروپـی را در سیاسـت هـای مداخلـه ای مـی تـوان واگرایـی و عـدم یکپارچـه بـودن اهداف ضمنـی و اهداف پنهان اشـخاص و نهادهـای ذی نفع و ذی نفـوذ تعریـف نمـود که سـعی دارند خـلاف اهداف سـازمانی عمـل کنند. در صورت بسـته بودن سیسـتم هـای نهادی، آنتروپی مثبت تشـدید گشـته، و لذا قابل پیـش بینی اسـت که سیسـتم های تصمیـم گیرنده از اهـداف و وظایـف سـازمانی عـدول نموده و سـازمان را از تحقـق اهدافـش بـاز دارد. در کنـار آنتروپـی مثبـت سـازمانی در سـامانه هـای بسـته، میل پارنویـی نیز در میـان اعضـاء سـازمان هـا منجر می شـود کارشناسـان بـرای حفـظ موقعیـت و تـرس از طرد شـدن، در مقابل تصمیمـات نامناسـب و انحرافـی افـراد بـا قـدرت های بیشـتر سـکوت کـرده و امـکان تحقـق امیـال و برنامه هـای آنهـا را که در خـلاف جهت برنامه های سـازمانی اسـت تقویـت نمایند. بایـد در نظر گرفت مشـکلات به هـم پیوسـته، نقـش آنتروپـی را بـازی می کننـد و بی نظمـی بیشـتر را باعث می شـوند. یعنی میـل پارانویی و آنتروپـی مثبـت قابلیـت تجمیـع شـدن داشـته و در کنـار هـم مثـل یک سـامانه، برعکس سـازمان رسـمی و تعریـف شـده بـه صـورت شـبکه ای قـوی و کامل در خـلاف جهـت اهـداف سـازمان عمل مـی نمایند.

در چنین شرایطی، لزوم وزن دادن به صداهای مخالف برای غنای تجربه های عملی برنامه های مداخله بیشتر احساس می شود. چرا که در سایه شفافیت موجود در سیستم باز، مجال شکل گیری شبکه های معکوس از بین رفته و شفافیت در اینجا نقش آنتروپی منفی را بازی خواهد نمود. در مبحث مدیریت طرح های مداخله ای، این موضوع به این صورت معنا می شود که در صورت تعریف سیستم های باز و شفاف در کنار ایجاد امکان چندصدایی در میان گروه های ذی نفع و ذی نفوذ، بحث تشدید آنتروپی مثبت به معنای سوداگری و سوء مدیریت به حداقل رسیده و با اعمال مدیریت صریح از جانب دولت متمرکز به شکل قانونگذاری و نظارت، شرایط تحقق اهداف سازمانی به حداکثر خواهد رسید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

واکاوی تاریخی- ساختاری سیاست های مداخله نشان می دهد این سیاست ها به مرور و در طی زمان، ماهیت بافت های تاریخی- فرهنگی را از منظر ارزشمندی، دارای دو بعد ملموس و غیرملموس دانسته و معنای حفاظت را از حفاظت معطوف به گذشته به حفاظت از هر سه زمان حال، آینده و گذشته گسترش می دهد. از بعد معیارها و شاخص های ارزیابی نیز، اعتبار اصلی را به جای ارزش های استاندارد شده جهانی از آن ارزش های بومی و زمینه ای می داند. سیاست های مواجهه با سایت های تاریخی - فرهنگی در سیر تکاملی خود، تنها راهکار مداخله ای مناسب را که به حفاظت همه جانبه محیط بینجامد؛ حاصل وزن دهی به نیروهای مشارکتی ساکنان محلی در مقابل قدرت‌های نخبه گرایانه و دیوان سالارانه معرفی می کند و مدل مدیریتی حاکم را از "مدیریت حفاظتی"به" مدیریت تغییر"، تغییر داده و به جای برنامه های تهاجمی، دفعی و گسترده به برنامه های آهسته، مداوم و خرد اهمیت می دهد. و با این حرکت از نهادگرایی و زمانبر شدن برنامه ها رهایی می یابد. به نظر می رسد تقویت رویکرد معاصر سازی با قابلیت های دانش جامعه شناسی و دانش سامانه ها، امکان تحقق برنامه های مداخله ی کارآمد را بیشتر نماید. با توجه به تحلیل های صورت گرفته علی الخصوص در بستر سوم تحلیل، می توان استباط کرد به دلیل ماهیت سامانه های انسانی و وجود آنتروپی و میل پارانویی در آن ها، ایجاد سیستم باز، موجب شفافیت و تعادل در گفتمان میان گروه های مختلف درگیر در پروژه های شهری خواهد شد که این امر به نوبه ی خود، در مورد سایت های تاریخی- فرهنگی به خصوص در مجموعه های شهری، منجر به ارایه تنوعی از راه حل های منطقی می گردد و مانع قوت گرفتن آنتروپی مخرب در گرایشات غیر منطقی و ناعادلانه شده و از سوی دیگر با شفاف کردن مقاصد نهادهای تفکر که خواهان سلطه از طریق ایجاد میل پارانویی و جهت دهی افکار عمومی هستند، موجب افزایش سطح آگاهی در جامعه و گسترش اعتماد عمومی و نهایتا افزایش مشارکت مردمی گردد. در نتیجه با راه اندازی سیستم باز و شفاف و با درک ماهیت سامانه های انسانی و پذیرش ماهیت نهاد تفکر موجود در آن، می توان با هزینه های حداقلی مدیریت، امکان اتخاذ بهترین تصمیم را فراهم آورد. نتایج پژوهش تحلیلی حاضر نشان می دهد الگوهای موجود در تحلیل گفتمان همزمان، صرفاً در شرایط شفاف می تواند با دستیابی به ارزش های مشترک جهت حل تعارضات میان گروهای مختلف ذینفع و ذی نفوذ درگیر در پروژه مورد استفاده قرار گرفته و مجال تحقق برنامه ها را فراهم آورد.

فهرست منابع:

اسلامی, غلامرضا. ۱۳۹۲. مبانی نظری معماری. عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: موسسه علم معما ر .

اسمیت، دیوید جی. ۱۳۸۷. پژوهش هرمنوتیک: تصور هرمنوتیک و متن تربیتی. Translated by عباس منوچهری. تهران: انتشارات سمت.

امیری،زینب, محمودرضا اسماعیلی, رضا سپهوند,

و سـید نجـم الدیـن موسـوی. ۱۳۹۷. "ارایـه الگـوی آنتروپـی رفتاری در سـازمان (مورد مطالعه :شـهرداری اصفهـان)." ففصلنامـه علمـی پژوهشـی مدیریـت سـازمان هـای دولتـی دوره ۶ شـماره ۴ ۳۷-۵۶.
انصاری،گلشـن, عطاالـه عباسـی, و عاتکـه گشـوارپور. ۲۰۱۵. "تحلیـل آنتروپی سـیگنال نـرخ ضربان قلب در هنـگام تفکر خـلاق." فصلنامـۀ علمی، پژوهشـی ابتکار و خلاقیـت در علـو م انسـان .۷۶- دورۀ ششـم، شـمارۀ دو، پاییـز ۹۵ ، صـص ۵۳.
ایرانیشـاد, عارفـه. ۱۳۹۷. "معاصرسـازی محـلات تاریخـی بـا هـدف مـکان سـازی فضاهـای شـهری." فصلنامـه مطالعـات مدیریـت شـهری.
بحرینی،سیدحسـین, ایزدی،سـعید, and مفیدی،مهرانـوش. ۱۳۹۲. "رویکردهـا وسیاسـت های نوسـازی شـهری،از بازسـازی تـا بازآفرینـی." فصلنامه علمـی پژوهشـی مطالعـات شـهری ۱۷-۳۰.
بروجنی،حمیـد, فرهمنـد, و انصاری،مجتبـی. ۱۳۸۵. "سـخنی دربـاره توسـعه واگان و اصطلاحـات تخصصی در حـوزه دانـش محافظت از آثار فرهنگی: برداشـت ها و تعابیـر متفـاوت." مرمت و پژوهـش ۷-۱۴.
پرچمی،مجیـد, جـلال, زبردست،اسـفندیار, و حمیـد فصیحـی. ۱۳۹۷. "ارائـه چارچـوب (مـدل فرآینـدی) مدیریـت یکپارچـه پـروژ ه هـای شـهری مبتنـی بـر رویکـرد مدیریـت سـبد پـروژه." فصلنامـه مدیریـت شـهری ۱۹۵-۲۲۰.
پوراحمـد, احمد. ۱۳۹۰. "سـیر تحول مفهوم شناسـی بازآفرینـی شـهری به عنـوان رویکـردی نـو." فصلنامه مطالعـات شـهر ایرانی ، اسـلامی.
حبیبی, محسـن, and ملیحه مقصودی. ۱۳۸۱. مرمت شهری. تهران: انتشـارات دانشگاه تهران.
حبیبی،سیدمحسـن, and مهـران فروغـی فـر. ۱۳۹۲. "یافتـن راهکارهایی برای جلب مشـارکت مـردم درطر ح هـای مرمت شـهری بـر پایه ی نظریه بازی." نشـریه هنرهـای زیبا - معماری و شهرسـازی.
حناچی،پیـروز, and سـمیه فدایـی نـژاد. ۱۳۹۰. "تدویـن چارچـوب مفهومـی حفاظـت و بازآفرینـی شـهری یکپارچـه در بافت هـای فرهنگـی – تاریخی." نشـریه هنرهـای زیبـا.
زنـوزی, عباس، فرخ. ۱۳۸۰. "ضرورت نوزایی شـهری." فصلنامۀ هفت شـهر.
لطفـی, سـهند. ۱۳۹۱. تبارشناسـی بازآفرینی شـهری. تهـران: انتشـارات آذرخش.
مطهـری راد, مهـری. ۱۳۹۵. "مؤلفههای مؤثر بر ادراک و ارتباط بصری در منظر شـهری تاریخی." هفت شـهر ۵۴-۶۲.
مهـدوی نـژاد, محمدجـواد. ۱۳۹۳. اصـول و مبانـی معاصرسـازی. تهران: انتشارات دانشـگاه تربیت مدرس.
مهـدوی نـژاد, محمدجـواد. ۱۳۹۶. "گفتمـان معماری سـرآمد: الگویـی برای نقد آثـار معماری." هویت شـهر ۵۹-۶۸.
نقـوی, پویـان, and حامد مظاهریـان. ۱۳۹۸. "تحلیل نظریـات معاصـر در مواجهـه بـا زمینـه در طراحـی معمـاری." بـاغ نظـر ۶۹-۸۰.
نوریان،فرشـاد، آریانا, اندیشـه. ۱۳۹۱. تحلیل چگونگی حمایـت قانـون از مشـارکت عمومـی در بازآفرینـی شـهری مطالعـه مـوردی: میـدان امـام علی(عتیـق) اصفهـان. نشـریه هنرهـای زیبـا دوره ۱۷ شـماره ۲.
Frampton, k. 1999. "seven points for the Mhllenniun." architectural record.
Harshey.D. 2017. Entropy theory of aging systems. london: imperial college press.
Oevermann, Heike, و Harald A Mieg. 2015. "Exploring urban transformations:Synchronic discourse analysis in the field of heritage conservationand urban development." Journal of Urban Regeneration and renewal .
Phil, Jones, و James Evans. 2008. Urban Regeneration in the UK: Theory and Practice. london: sage.
Roberts, P,H. Syke. 2000. The evolution, definition and purpose. london: British Urban Regeneration Association, SAGE Publications.